

Original Article

Individual and Social Rights of Future Generations in Environmental Health: Focusing on Human Rights Approach

Abdolmohammad Afrough¹, Seyed Bagher Mirabbassi^{2*}, Abumohammad Asgarkhani³, Maryam Moradi⁴

1. Ph.D. Student, Department of law, Qeshm International Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran.

2. Associate Professor, Department of law, Faculty of public Science, University of Tehran, Tehran, Iran.
(Corresponding Author) Email: mirabbassi@parsilo.com

3. Associate Professor, Department of law, Faculty of public Science, University of Tehran, Tehran, Iran.

4. Assistant professor, Department of law, Qeshm International Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran.

Received: 4 Mar 2019 Accepted: 9 Jul 2019

Abstract

Individual and social rights have various dimensions which often constitute the major parts of international human rights. In the same vein, rights of future generations in the field of environmental health have been lately introduced into political and social circles in the form of solidarity rights. The current study intends to assay the future generations' rights of enjoyment of environmental health in international law and Iranian law and also the need for conservation of environment for the future generations. It also seeks to provide solutions for the environmental challenges. Accordingly, the most important findings of the present research is the relationship of individual and social rights of future generations with human rights approaches due to acceptability and understandability of the problem of human rights for the world people, its high compatibility with the cultural and value elements of various societies, existence of various human rights institutions and organizations in most world countries and also the expansion of social media and movements in the field of human rights issues which in turn can pave the path for the realization of individual and collective rights of future generations in the field of environmental health. Particularly as to Iranian society, one should say that defense of human rights and institutionalization in this field based on Islamic and Iranian values and cultures can be considered as a path for defense of the rights of future generations in the field of environmental health. The present study takes advantage of descriptive-analytic method and the data have been collected using library documents and sources.

Keywords: Individual Rights; Social Rights; Future Generations; Environmental Health; Human Rights

Please cite this article as: Afrough A, Mirabbassi B, Asgarkhani A, Moradi M. Individual and Social Rights of Future Generations in Environmental Health: Focusing on Human Rights Approach. *Iran J Med Law*, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2019; 309-322.

حقوق فردی و اجتماعی نسل‌های آینده در سلامت زیست‌محیطی با رویکرد حقوق بشر

عبدالمحمد افروغ^۱، سیدباقر میرعباسی^{۲*}، ابومحمد عسگرخانی^۳، مریم مرادی^۴

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد بین‌المللی قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

۲. دانشیار، گروه حقوق، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: mirabbassi@parsilo.com

۳. دانشیار، گروه حقوق، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۴. استادیار، گروه حقوق، واحد بین‌المللی قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۳ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۱۸

چکیده

حقوق فردی و اجتماعی دارای ابعاد مختلفی هستند که غالباً بخش‌های اصلی حقوق بشر بین‌المللی را نیز تشکیل می‌دهند. در همین راستا، حقوق نسل‌های آینده در زمینه سلامت زیست‌محیطی نیز به تازگی و در قالب حقوق همبستگی وارد محافل سیاسی و اجتماعی شده است. نوشتار حاضر قصد دارد تا حق برخورداری نسل‌های آینده از سلامت محیط زیست در حقوق بین‌الملل و حقوق ایران و همچنین نیاز به حفظ محیط زیست برای نسل‌های آینده را از مورد کنکاش قرار دهد و برای چالش‌های زیست‌محیطی پدید آمده، راه حل ارائه دهد. بر این اساس، مهم‌ترین یافته‌های پژوهش حاضر، پیوند حقوق فردی و اجتماعی نسل‌های آینده با رویکردهای حقوق بشری به دلیل مقبولیت و قابل فهم بودن مسأله حقوق بشر برای جهانیان، قابلیت تطبیق بالای آن با عناصر فرهنگی و ارزشی جوامع مختلف، وجود نهادها و سازمان‌های مختلف حقوق بشری در اغلب کشورهای جهان و همچنین گسترش رسانه‌ها و جنبش‌های اجتماعی در زمینه مسائل حقوق بشری است که به نوبه خود می‌تواند زمینه‌ساز تحقق حقوق فردی و جمعی نسل‌های آینده در زمینه سلامت زیست‌محیطی گردد. به طور خاص درباره جامعه ایرانی باید گفت دفاع از حقوق بشر و نهادسازی در این زمینه بر مبنای ارزش‌ها و فرهنگ‌های اسلامی و ایرانی می‌تواند راهی برای دفاع از حقوق نسل‌های آینده در زمینه سلامت زیست‌محیطی تلقی شود. پژوهش حاضر از روش توصیفی - تحلیلی بهره می‌برد که با بهره‌گیری از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای اطلاعات را گردآوری کرده است.

واژگان کلیدی: حقوق فردی؛ حقوق اجتماعی؛ نسل‌های آینده؛ سلامت زیست‌محیطی؛ حقوق بشر

مقدمه

حقوق فردی و اجتماعی از دیرباز تحت تأثیر تحولات و وقایع سیاسی و اجتماعی بوده‌اند و به همین دلیل همواره جلوه‌های تازه‌ای نیز به خود می‌گیرند، به طوری که می‌توان گفت امروزه و در پرتو تحولات ارتباطی و رسانه‌های مختلف و جهانی‌شدن دغدغه‌ها و مسائل کره زمین، حقوق محیط زیست بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است، ضمن این‌که در قرن بیستم، جهان هنوز از دولت‌های مستقلی تشکیل شده بود که هر یک از مسائل جهانی را از دریچه تنگ منافع ملی می‌نگریستند و بسیاری از مسائلی را که برای جهان از اهمیت حیاتی برخوردار بودند، نادیده می‌گرفتند. به عنوان نمونه، در گذشته، کشورهای استعمارگر که به دنبال نیروی کار ارزان قیمت، مواد خام و بازار بودند، از زمین‌های خارج از قاره اروپا بهره می‌بردند که بعد از رشد پدیده استعمار، مواجهات آن‌ها گسترده‌تر و شدیدتر گردید (۱). با این حال گذشت زمان و شکل‌گیری دغدغه‌های جهانی در زمینه گرم‌شدن کره زمین، خطرات گازهای گلخانه‌ای، بهره‌مندی از آب و غذای سالم، مقابله با آثار مخرب مواد هسته‌ای و نظامی باعث شد تا رویکردهای جدیدی در عرصه حفاظت از محیط زیست شکل بگیرد که هر کدام با توجه به گسترش رسانه‌ها و ظهور جنبش‌های اجتماعی جدید ابعاد گسترده‌ای نیز به خود گرفتند.

علاوه بر این، در سال‌های اخیر، جهان شاهد رشد سریع قانون محیط زیستی بین‌المللی بوده است. در میان مسائل مربوط به برنامه کمیسیون سازمان ملل در خصوص قانون بین‌الملل، مسائل مختلفی در رابطه با مسائل محیط زیستی وجود دارد. از سوی دیگر تقریباً تمام کشورها، فارغ از نوع حکومت و درجه رشد اقتصادی، تمایل بسیار زیادی برای اتخاذ و تصویب قوانین زیست‌محیطی دارند. هیچ نشانه‌ای مبنی بر این وجود ندارد که یک قرارداد محله‌ای، منطقه‌ای و جهانی در خصوص حمایت از محیط زیست به امضا نخواهد رسید. بر این اساس، دغدغه حقوق فردی و اجتماعی در زمینه سلامت زیست‌محیطی، دغدغه‌ای جهانی و فراگیر است که خواسته یا ناخواسته دولت‌ها را وادار می‌سازد تا در قبال این مسائل به

اتخاذ قوانینی روی بیاورند و یا در نهادها و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی فعالیت داشته باشند.

با این حال سلامت محیط زیستی از یک جنبه دیگر نیز حائز اهمیت است و آن هم پیوند خوردن این مسأله با مسائل حقوق بشری و حقوق همبستگی است که امروزه بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. همین دغدغه باعث شده تا حقوق نسل‌های آینده در زمینه سلامت زیست‌محیطی نیز مورد توجه قرار گیرد و تلاش‌هایی در قالب قوانین داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و حقوق شهروندی داخلی و جهان‌وطنی در زمینه برخورداری نسل‌های آینده از سلامت زیست‌محیطی صورت گیرد که بیش از پیش به حقوق نسل‌های آینده انجام گردد. بر این اساس، دغدغه اصلی پژوهش حاضر، بررسی جایگاه حقوق فردی و اجتماعی نسل‌های آینده در سلامت زیست‌محیطی با رویکرد حقوق بشری است که به طور مشخص، رویکردی انتقادی نسبت به قوانین و حقوق بین‌المللی در این زمینه می‌اندازد، سپس قوانین داخلی ایران را مورد توجه قرار می‌دهد و در نهایت از منظر حقوق بشری حقوق نسل‌های آینده را در این زمینه مورد توجه قرار می‌دهد. به طور مشخص سؤال اصلی پژوهش حاضر این است: چالش‌ها و راهکارهای حقوق فردی و اجتماعی نسل‌های آینده در حوزه سلامت زیست‌محیطی در قوانین بین‌المللی و داخلی کدام است؟ همچنین با استفاده از چه راهکارهایی می‌توان حقوق نسل‌های آینده را در زمینه‌های بین‌المللی و داخلی مورد توجه بیشتری قرار داد؟ فرضیه نوشتار این است: دفاع از آرمان‌های حقوق بشری به دلیل جامعیت و مقبولیت نسبتاً قابل توجهی که در میان کشورهای مختلف جهان دارد به شکل قابل توجهی می‌تواند حامی حقوق نسل‌های آینده در زمینه سلامت زیست‌محیطی تلقی شود.

۱- ادبیات تحقیق

تحقیقات متعددی در زمینه حقوق محیط زیست و پیوند آن با حقوق بشر انجام شده است که به برخی از این تحقیقات اشاره می‌شود:

محسن قدیر (۱۳۹۴ ش.) در مقاله «حق بر محیط زیست از منظر حقوق بشر بین‌المللی و اسلام» به بررسی و تبیین

آموزه‌های اسلامی در زمینه حقوق بشر و محیط زیست پرداخته است و با توجه به تأکیدات قرآن بر تسخیر نعمت‌های طبیعی، مسؤولیت انسانی را نیز مد نظر قرار می‌دهند که می‌تواند زمینه‌ساز گسترش حقوق محیط زیستی گردد (۲). جواد امین منصور (۱۳۹۴ ش.) نیز در مقاله خود «رابطه بین حقوق بشر و محیط زیست از منظر جامعه بین‌المللی» به بررسی پیوندها و ارتباطات حقوق محیط زیست و حقوق بشر می‌پردازد و بر این اساس، حقوق محیط زیست را یکی از حقوق مهم دوران معاصر تلقی می‌کند که با حمایت نهادهای غیر دولتی به سرعت در حال گسترش به نقاط مختلف جهان است (۳). محمود بابااوغلی (۱۳۹۲ ش.) در مقاله «بررسی اجمالی بحران محیط زیست در ایران حول محور آلودگی هوا و تخریب منابع آب» به بررسی بحران‌های متعدد زیست‌محیطی از جمله بحران آب در ایران پرداخته است و نتیجه گرفته است که ناهماهنگی میان بخش‌های صنعتی و متولیان حفظ محیط زیست، خسارت‌های متعددی به حیاط زیستی ایران وارد کرده است (۴). مرتضی فرهادی (۱۳۹۰ ش.) نیز در مقاله «بحران محیط زیست در ایران و لزوم بازنگری به دانش‌های مردمی و راه‌کارهای فرهنگ ملی» به نقش و جایگاه مشارکت مردمی در بهبود وضعیت محیط زیست در ایران توجه نشان می‌دهد. به عقیده نویسنده، با استفاده از رویکردهای فرهنگی موجود در منابع ملی و دینی می‌توان راه‌کارهایی فرهنگی برای بهبود وضعیت محیط زیست در ایران یافت که در آن، حقوق نسل‌های آتی در نظر گرفته شود (۵). در نهایت، مهدی فیروزی (۱۳۸۴ ش.) در اثری با عنوان «حق بر محیط زیست» به دغدغه حقوق محیط زیست به عنوان یکی از حقوق مسلم و شناخته‌شده در عرصه‌های بین‌المللی و داخلی می‌پردازد و بر همین اساس، با بهره‌گیری از حقوق و مسؤولیت‌های انسان در قبال محیط زندگی خود تلاش می‌نماید تا با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی و اسلامی به استخراج حقوق محیط زیست در اسلام نیز توجه نشان دهد (۶)، ضمن این‌که سیر تاریخی حقوق محیط زیست در اسناد و معاهدات بین‌المللی نیز مورد توجه نویسنده قرار گرفته است.

بر این اساس، پژوهش حاضر از یک جهت و به دلیل پرداختن به مسأله حقوق بشر و حقوق زیست‌محیطی دارای شباهت‌هایی با پژوهش‌های مذکور است، اما از طرفی دیگر و با توجه به این‌که پژوهش درخوری در زمینه ارتباط حقوق فردی و اجتماعی نسل‌های آینده در سلامت زیست‌محیطی با رویکرد حقوق بشری صورت نگرفته است، پژوهش حاضر، پژوهشی ممتاز به شمار می‌رود. از این منظر، بررسی جایگاه حقوق فردی و اجتماعی نسل‌های آینده در سلامت زیست محیطی با رویکرد حقوق بشر به عنوان رویکرد بدیع پژوهش حاضر محسوب می‌شود.

۲- مفاهیم بحث

۲-۱- **حقوق فردی و اجتماعی:** حق به معنای چیزی سلب‌ناشدنی است که جنبه فردی و اجتماعی دارد. برخی آن را به معنای چیزی تصور می‌کنند که مایملک شخص محسوب می‌شود و برخی دیگر نیز، حق را «اقتداری قانونی» دانسته که نظام یا نظم حقوقی هر کشوری به اشخاص می‌دهد تا از چیزی به طور مستقیم بهرمنند شوند یا انجام کاری را از دیگران بخواهند (۷). همچنین در تعریفی دیگر آمده است که «حق امتیازی است که قانون برای حفظ منافع اشخاص در جامعه به آن‌ها می‌دهد» (۸). با این حال جنبه‌های فردی و اجتماعی حق بیانگر آن است که این موضوع از جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نیز قابل تحلیل است. از منظر فردی، حقوق فرد شامل آزادی‌های سیاسی، برابری و عدالت، حقوق اقتصادی - اجتماعی و سیاسی مد نظر است. از طرفی دیگر حقوق اجتماعی نیز وجود دارند که بیانگر وضعیت فرد در مناسبات اجتماعی نیز می‌باشد. با این حال ات حقوق جمعی شامل حقوق اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و محیط زیستی است که تمام آن‌ها برای پیشرفت سلامت عمومی ضروری هستند (۹).

۲-۲- **سلامت زیست‌محیطی:** سلامت زیست‌محیطی مانند انواع دیگر موضوعات به برخورداری انسان از یک محیط سالم در حوزه فردی و اجتماعی اشاره دارد که امروزه در قالب حقوق زیست‌محیطی نیز مطرح می‌شود. بدین‌ترتیب حق برخورداری از محیط زیست سالم دارای ماهیت فردی و جمعی

است. به عنوان یک حق فردی، این حق به نحوی غیر قابل جداسدنی با دیگر حقوق بنیادین مانند حق سلامت، حق حیات و یکپارچگی شخصی در هم تنیده است. به عنوان یک حق جمعی، این حق به نفع تمامی انسان‌ها و نسل‌های آینده می‌باشد (۱۰). علاوه بر این، استفاده و برخورداری از محیط زیست سالم، امروزه حقوقی است که در قالب نسل سوم حقوق بشر تجلی یافته است و رویکردهای مختلفی در قبال مسائل و تهدیدات سلامت و محیط زیست انسان مطرح می‌کند که طیف متعددی از آلودگی هوا، آلودگی آب‌ها، مقابله با گازهای گلخانه‌ای، مقابله با پیامدهای ناشی از سلاح‌های هسته‌ای و... را شامل می‌شود.

۳- رویکرد حقوق بشر به محیط زیست

سلامت محیط زیست و مسائل مربوط به آن به دلیل این‌که به عنوان یک حق فردی و اجتماعی مطرح می‌شود، به طور مشخص در قالب رویکردهای حقوق بشری از جمله نسل جدید حقوق بشر مورد توجه فراوان قرار گرفته است. این مسأله نیز ناشی از افزایش آگاهی نسبت به تهدیدات فراروی ساختار زیست‌محیطی و بنابراین آسیب‌پذیری بشریت در مقابل صدمات ناشی از تخریب محیط زیست است (۱۱). علاوه بر این، آسیب‌هایی که از سوی انسان به طبیعت وارد می‌شود حقوق نسل‌های آینده و سایر هم‌نوعان خود را مورد تهدید قرار می‌دهد، مورد توجه است. به عنوان مثال، ممکن است اثرات گازهای گلخانه‌ای در یک کشور صنعتی، تأثیرات نامطلوبی بر وضعیت شهروندان در سایر کشورها نیز بگذارد. بنابراین هنگامی که از پیوستگی حقوق بشر و محیط زیست سخن به میان می‌آید، می‌بایست رویکردی جهانی و همه‌جانبه نسبت به مسائل اجتماعی در نظر داشت.

با توجه به همین مسائل و با درک شرایط ناشی از تهدیدات زیست‌محیطی، ضرورت توجه بیشتر به مسائل محیطی و سلامت آن از منظر حقوق بشری احساس می‌شود. بدین ترتیب مفهوم موجود از حمایت از حقوق بشر باید به حق برخورداری از محیط زیست پاک، عاری از آلودگی و نیز حق برخورداری از هوای تمیز و پاک بسط داده شود. در عین حال پیشرفت حقوق بشر به صورتی گسترده به عنوان حمایت از

مردم در برابر خطرات آلودگی، عرضه و در دسترس بودن هوای پاک، و تضمین هوای پاک، و نهایتاً حیات پایدار بشری بر روی زمین در نظر گرفته شود (۱۲). از همین رو شهروندی زیست‌محیطی که اخیراً مطرح شده است، ناظر بر تحولات جنبش‌های اجتماعی جدیدی است که حساسیت بیشتری در قبال مسائل زیست‌محیطی نشان می‌دهد و فارغ از روابط ملت‌ها و دولت‌ها به مسأله سلامت محیط زیست می‌پردازند. بدین ترتیب بررسی شهروندی زیست‌محیطی به ما کمک می‌کند که پیوندهای مفهومی میان شهروندی خصوصی و مشکلات جهانی را درک کنیم (۱۱).

رویکرد حقوق بشری به مسأله محیط زیست، بیش از هر چیز ریشه در تحولات معاصر دارد. این موضوع بیش از همه در نزد اعلامیه‌های جهانی و معاهدات منطقه‌ای دیده می‌شود، هرچند اعلامیه استکهلم در سال ۱۹۷۲ حقوق بشر را از منظر فلسفی ثابت کرد، سازمان ملل در موقعیتی نبود که ضمانت‌های لازم را برای اجرای این حق فراهم نماید. با این حال شورای حکام توجه ویژه‌ای به حق برخورداری از یک محیط زیست سالم مبذول داشتند. امکان دارد که همین مطلب درباره حق جدید بشر در برخورداری از یک محیط زیست سالم در نظام حقوق بشر بین‌المللی به کار برده شود. در واقع دولت‌ها از مراجعه به دادگاه‌های بین‌المللی برای حل یک مسأله چندان خشنود نیستند، در نتیجه دولت‌ها بسیار دغدغه دارند که حق برخورداری از محیط زیست می‌تواند به مانند دیگر حقوق بشر نظارت بین‌المللی آن‌ها را بر فرایند دادرسی و پیگیری قضایی گسترش دهد. بنابراین آن‌ها با احتیاط تمام با این مسأله برخورد می‌کنند. شاید دلیل به رسمیت شناخته شدن حق برخورداری از محیط زیست در نظام حقوق بشر بین‌المللی به همین سبب بوده باشد (۱۲). با این وجود، حقوق بشر و محیط زیست در حقوق همبستگی که رویکرد متأخر حقوق بشر نسبت به زندگی معاصر بشری است، مطرح شده است.

توضیح این‌که، حقوق همبستگی که مرتبه سوم از حقوق، یعنی حق آزادی و حق برابری و حق برادری را تشکیل می‌دهند، حاکی از تغییر اصول روابط حقوق معطوف به قانون

بین‌الملل و نیز بازیگران جامعه بین‌الملل از «تعاون بر مبنای منافع متقابل»، همبستگی بر اساس نیازهای بین‌المللی و جمعی است. خصوصاً در ۱۹۷۰، اعضای جامعه بین‌الملل دریافتند که آن‌ها نمی‌توانند مسائل جدید را صرفاً با تکیه بر منافع متقابل حل نمایند. برخی از حوزه‌های این روابط به رأی جمعی آن‌ها و بشریت وابسته هستند و پیگیری یک منفعت ملی یا گروهی نمی‌تواند برای روابط این حوزه خوب باشد. بنابراین آن‌ها فکر کردن به مسائلی فراتر از حکومت خودشان را به نفع سرنوشت جمعی بشر می‌دانند. حق همبستگی که برای نسل سوم حقوق بشر آشنا می‌باشد، شامل حق برخورداری از محیط زیست، حق پیشرفت و حق بر یک میراث مشترک بشری می‌باشد که مجموع آن‌ها تحول حقوق بین‌المللی را از برابری صوری به برابری واقعی، از یکسو و از تعاون به همبستگی را از سوی دیگر، نمایندگی می‌کند. حق برخورداری از صلح و آرامش یک مانع قانونی در برابر ادامه موقعیت جنگی است، اما بدون این که شکاف میان کشورهای در حال پیشرفت و کشورهای صنعتی توسعه‌یافته برداشته شود، هیچ نوع صلح پایداری قابل تصور نیست. از سوی دیگر، حق توسعه باید در پرتو حق برخورداری از محیط زیست محترم شمرده شود، در غیر این صورت صلح با صلح تعدیل خواهد شد (۱۲).

ریشه توسعه این حق در اسناد بین‌المللی نخست در اعلامیه استکهلم به سال ۱۹۷۲ باید مورد کنکاش قرار گیرد که نخستین گام جامعه بین‌الملل برای ارتقای حمایت از حقوق بشر است. اصل ۱ این اعلامیه به وضوح بر وجود پیوند محیطی درست با یک زندگی کرامت بار تأکید دارد و حق برخورداری از محیط زیست را به این دلیل پایه‌ریزی می‌کند تا دو نسل دیگر از حقوق بشر، یعنی حقوق آزادی و مساوات تکمیل گردند. محیط زیست در این اصل محیطی است که «به بشر این فرصت را می‌دهد که با شادی و کرامت زندگی کنند.» پروفیسور الکساندر کیس در تفسیر خودش از حق برخورداری از محیط زیست در این اصل و دلیل به کاربری این قید بعد از اصطلاح «محیط زیست» تعریفی کلی، جامع و پذیرفته از محیط زیست در اسناد بین‌المللی ارائه نداده است (۱۳). با این حال، امروزه بیش از شصت و یک کشور صراحتاً

یا به نحوی ضمنی به حق برخورداری از محیط زیست در قوانین اساسی خودشان اشاره دارند، هرچند این اصول دارای اصطلاحات متفاوتی می‌باشند، اما تأسیس آن‌ها در بافت قوانین معمولی و معیارهای اداری ممکن است فریبنده، ناقص یا برعکس شده باشد؛ نکته مشترک این اصطلاحات و اصول این است که برخورداری از یک محیط زیست پاک و سالم را به عنوان یک حق بشری بنیادین به رسمیت بشناسند. دولت‌های راست‌گرا (دولت‌های محافظه‌کار مخصوصاً در ایالات متحده که برخلاف دموکرات‌ها گرایش مساعد چندانی به مسائل زیست‌محیطی ندارند) در این موضوع با دیگر کشورها همراه نشده‌اند، اما باز در بسط آن سهم داشته‌اند (۱۴). اگر تکامل حقوق اساسی مربوط به این کشورها را بر اساس ظهور و تعدیل شروط و قیود آن‌ها در نظر بگیریم، تأثیر اکثریت آن‌ها بر روی بسط حقوق بشر در صحنه بین‌الملل خصوصاً در کنفرانس سال ۱۹۷۲ در استکهلم بسیار آشکار است. به طور خلاصه، اکثر این قوانین بنیادین بعد از دهه ۱۹۷۰ گام‌هایی را برای تثبیت اصل اخیر برداشته‌اند (۱۵).

به رسمیت‌شناخته شدن این حق در نظام‌های حقوقی داخلی و پذیرش آن توسط هیأت‌های قانونگذار، مجری این دولت‌ها را در مواضع بین‌المللی آنان در خصوص مسائل محیط زیستی مجبور به انتقال پذیرش بین‌المللی تصویر بین‌المللی و آوردن آن به صحنه بین‌الملل کرده است. رفتاری مشابه با این دولت‌ها را به سمت ملاحظه این امر به عنوان جلوه‌ای از برخی از عناصر کنوانسیون بین‌المللی درباره پذیرش حقوق بشر معطوف به برخورداری از محیط زیست سوق داده است (۱۶).

از سوی دیگر، حقوق داخلی نقش تغییر موضع بین‌المللی در خصوص موضوع رابطه میان حقوق بشر و محیط زیست را خصوصاً بعد از کنفرانس استکهلم و کنفرانس‌های محیط زیستی بین‌المللی بعدی و نیز تأسیس پایه حقوق بشری محیط زیست را در اذهان عمومی دنیا بر عهده دارد. برخی از کشورهایی که این پیوند و نیز حق برخورداری از محیط زیست سالم را به رسمیت می‌شناسند، از این حق نیز استقبال می‌کنند و مهم‌تر این که دولت‌ها این حق را در بالاترین سطح از نظام حقوقی خودشان جای داده‌اند (۱۷).

بحث

۱- حقوق فردی و اجتماعی نسل‌های آینده

امروزه و در قالب حقوق همبستگی، حقوق فردی و اجتماعی در اغلب حوزه‌ها از جمله حوزه سلامت زیست محیطی، توجه خود را به نسل‌های آینده نیز معطوف می‌کنند. از این جهت که فراهم‌ساختن محیط زیست سالم برای نسل‌های آینده یکی از راه‌کارهای تحقق حقوق بشر و توسعه پایدار به شمار می‌رود، هم‌چنانکه عملی‌ساختن حق سلامت و تحول نظام‌های سلامت یکی از کلیدی‌ترین عناصر جنبش جهانی برای حصول پوشش جهانی سلامت است که خود به عنوان یک جلوه عملی از حق سلامت ترسیم شده است (۱۸). در این معنا حقوق بشر به معنای بهره‌مندی نسل‌های آینده از سلامت زیست‌محیطی است که خود می‌تواند شاکله یک نظم اجتماعی مطلوب در سطح جهانی تلقی شود، ضمن این‌که حق بشر در برخورداری از یک محیط زیست سالم برای داشتن یک زندگی همراه با کرامت انسانی ضروری است. این واقعیت که محیط زیست و حقوق بشر رابطه تنگاتنگی با همدیگر دارند، و این که نابودکردن محیط زیست به فقر و هتک حرمت بشر منجر می‌شود، یک مسأله مقبول نزد همه است. در همین راستا، از سال ۱۹۹۴ به این سو، بعد از انتشار گزارش سنتینی درباره «حقوق بشر و محیط زیست»، در انجمن‌های حقوقی حقوق بشر و محیط زیست این انتظار وجود داشت که این پیوند در سطوح سیاست‌گذاری مورد بحث قرار گیرد (۱۹). علاوه بر این جنبه‌های حقوق فردی و جمعی محیط زیست سالم نوعی رویکرد همه‌جانبه به مسائل حقوق بشری است که به واسطه رشد و گسترش رسانه‌ها و همچنین نقش‌آفرینی جنبش‌های اجتماعی، مسائل زیست‌محیطی را به عنوان دغدغه‌ای جهانی مطرح کرده‌اند. بر این اساس، حقوق محیط زیست دارای ابعاد فردی و جمعی است. حق فردی، حق هر یک از قربانیان تخریب محیط زیست بر جلوگیری و حذف تمام فعالیت‌هایی است که به محیط زیست آسیب می‌رساند. حق جمعی شامل وظیفه دولت برای شرکت در تعاون بین‌المللی جهت حل مسائل زیست‌محیطی دنیا است. بعد جمعی قانون محیط زیست این واقعیت را منعکس می‌سازد که

تمام دولت‌ها و دیگر بازیگران در صحنه بین‌المللی باید علایق بشریت را بر علایق و منافع ملی ترجیح دهند (۱۳).

در هر صورت، حقوق زیست‌محیطی همانند حقوق بشر افعال انسان را مورد مشاهده قرار می‌دهد و تمام این افعال را شامل می‌شود. حق برخورداری از یک محیط زیست سالم، به عنوان یکی از نتایج مکمل بشریت در یک فرایند تکاملی بیست‌ساله اکنون به عنوان یک حق اصیل و جافتاده در حقوق بین‌الملل و نیز حقوق داخلی بسیاری از کشورها شناخته می‌شود. از سوی دیگر، ایده جدید تحمیل محدودیت‌های محیطی بر حقوق بشر تا حدودی توضیح داده شده‌اند. یک دیدگاه زیست پزشکی درباره محیط زیست به عنوان یک ارزش ذاتی در نظر گرفته می‌شود که ارزشی ابزاری نیست که با خوشبختی بشر بتوان آن را سنجید. با در نظر گرفتن تأثیرات اخیر پیوندهای حقوق بشر با منش اکولوژیک یک جامعه پایدار، بحث درباره حقوق افراد بومی جدید زمانی لازم می‌باشد که این دو پیشرفت حقوق بشری با همدیگر مقایسه می‌شوند و نیز محدودیت‌های اومانستی (انسان‌گرایانه) در رابطه با حقوق بشر و نهایتاً یک دیدگاه جدید مورد ملاحظه قرار می‌گیرند. زیست‌پزشکی در اسناد بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌گیرد (۲۰).

ضمن این‌که در نزد اسناد بین‌المللی، گرایش‌های منطقه‌ای و محلی، رویکردهای مختلفی نسبت به حقوق زیست‌محیطی در زمینه حقوق فردی و اجتماعی نسل‌های آینده دیده می‌شود. این موضوع یک چیز را روشن می‌کند و آن هم این‌که کلید وصول به نظام سلامت جهانی رویکرد حقوق‌محور به مسأله سلامت است که هنجارهای حقوق بشری را در حوزه سیاست‌ها و برنامه‌های سلامت یکپارچه می‌سازد که این مسأله مستلزم فعالیت و تلاش فردی و جمعی می‌باشد (۲۱). این موضوع نشان می‌دهد که مسأله سلامت زیست محیطی برای نسل‌های آینده از منظر حقوق بشر بسیار مهم و قابل توجه است. به همین دلیل، رشد سریع اندیشه سیاسی زیست‌محیطی در سال‌های اخیر به حساس‌شدن ما جهت حفظ منابع طبیعی و تغییر جهت به سمت توسعه پایدار کمک می‌کند (۱۱).

با این حال در میان الگوهای مختلف ارائه‌شده توسط نهادهای بین‌المللی دولتی و غیر دولتی برای اعمال حقوق نسل‌های آینده، مدل هاروارد برای حمایت از محیط زیست برای نسل‌های آینده بسیار قابل توجه است. بر اساس یک مطالعه که در سال ۲۰۰۸ انجام پذیرفته است، هاروارد مکانیزم‌های حقوقی و زیست‌محیطی مختلفی را برای نسل‌های آینده بیان می‌کند:

- مکانیسم نظام قضایی بین‌المللی: دادگاه‌های قضایی بین‌المللی می‌توانند در حقوق عدالت بین‌المللی دخالت کنند. به عنوان نمونه قاضی کریستوفر وایرمانتری از دادگاه بین‌المللی قضاات به نفع گابیو - ناگیمارس رأی داد: فرمول جدید برای قانون محیط زیستی اصل معتمد و حفظ منابع زمین و اصل قانون بین دولتی است. از وجه دیگر، او دادگاه را به عنوان معتمد این حقوق توصیف نمود (۲۲). در همین راستا برخی دادگاه‌های داخلی، در پرونده‌های محیط زیستی، فرایندهای حمایتی از نسل‌های آینده خصوصاً از طریق اعطای تسهیلات را پیشه می‌کنند. به طور مثال، دادگاه عالی مونتانا به شهروندان و گروه‌های زیست‌محیطی دستور داده است که در خصوص صدمات وارده به محیط زیست به دادگاه شکایت کنند. از سوی دیگر هاوایی و پنسیلوانیا به شهروندان خود تسهیلاتی را برای حفاظت و اجرای قوانین مربوط به محیط زیست به صورت اختیاری اعطا می‌کند (۲۳).

- حافظ منافع نسل آینده: در این رویکرد شخص حافظ منافع نسل‌های آینده، شخصی است که بهترین منافع را شناسایی و توضیح می‌دهد و متعهد است که اقدامات لازم را برای تحقق سلامت اکولوژیک هوا، آب و خاک نسل‌های آینده صورت دهد. دولت باید به هنگام نیاز به کمک در زمینه انجام وظایف، به این حافظین منافع کمک کند. دولت باید اقدامات پیشنهادی را مشخص کند و اطلاعات لازم را در اختیار آن‌ها قرار دهد. حافظین منافع باید اطلاعات مرتبط را برای مشخص کردن بهترین منافع برای نسل‌های آینده به دست آورند (۲۳). بنابراین زمینه‌سازی برای نقش‌آفرینی و تعامل بیشتر دولت‌ها در زمینه‌های مختلف حقوقی و قضایی به شکل قابل توجهی می‌تواند حقوق نسل‌های آینده را از منظر سلامت زیست

محیطی برآورده سازد. در این زمینه باز می‌توان از الگوهای منطقه‌ای، داخلی و بین‌المللی موفق که در زمینه توسعه پایدار، حقوق زیست‌محیطی و کاهش خسارت‌های ناشی از فعالیت‌های مخرب انسان‌ها دستاورد مناسبی داشته‌اند، بهره برد. بر همین اساس در سطح جهانی، پیشنهادهایی نیز برای شناسایی حق برخورداری از محیط زیست ارائه شده است که باید بر مبنای حق افراد در برخورداری از محیط زیست سالم و بهداشتی پی‌ریزی شده باشد و در نظام حقوقی جامعه اروپا یافت گردد و نیز لازم است که سطح حقوق بین‌الملل نیز شناسایی گردد (۲۴).

۲- سلامت زیست‌محیطی و حقوق نسل‌های آینده در سطح جهانی

به نظر می‌رسد در زمینه بهبود وضعیت حقوق فردی و اجتماعی نسل‌های آینده در زمینه مسائل زیست‌محیطی، لزوم اتخاذ رویه‌ای جهانی برای مشارکت واقعی مردم در زمینه مسائل و مشکلات زیست‌محیطی و همچنین ارائه راه‌کارها برای فرهنگ‌سازی در این زمینه مناسب باشد. این موضوع بیش از هرچیز نیازمند اعطای آزادی و حمایت قضایی و قانونی از نهادها و سازمان‌های غیر دولتی در سطح جهان است که جهت ارتقای سلامت زیست‌محیطی فعالیت می‌کنند، ضمن این‌که همین اصل باعث مشارکت مردم در فعالیت‌های زیست‌محیطی می‌شود، چه این‌که حق دسترسی به مراجع دادگستری برای سازمان‌های غیر دولتی یکی از معیارهایی است که با توجه به آن می‌توانیم جایگاه و اهمیت اصل مشارکت را مورد ارزیابی قرار دهد (۲۵)، ضمن این‌که در کنار فعالیت‌های مهم دولت و سازمان‌های غیر دولتی در زمینه سلامت زیست‌محیطی، باید گفت ایجاد ظرفیت و توانایی با رویکرد حق‌محور به برنامه‌ریزی توسعه و نیز با مسائل مربوط به انگیزش، اقتدار لازم، دسترسی و کنترل بر منابع و ارتباطات مرتبط است (۱۹).

با این وجود، هرچند نقش سازمان‌های فرادولتی و خصوصی در زمینه مسائل زیست‌محیطی بسیار برجسته است، اما دولت به عنوان ابزار «قدرت فائقه داخلی» و نقش مهمی که در قانونگذاری داخلی و حتی بین‌المللی ایفا می‌کند، می‌تواند

نقش‌آفرینی مثبتی داشته باشد. بدین ترتیب علی‌رغم گسترش سازمان‌های غیر دولتی، نظم جهانی کنونی شدیداً حول منافع دولت‌ها سازماندهی شده است و حقوق بین‌الملل هنوز معطوف به فعالیت‌های دولت‌ها است (۱۱). دولت‌ها از طریق تصویب ابزارهای حقوق بشر نقش خودشان را در رعایت، حمایت و تقویت این حقوق به انجام می‌رسانند. در واقع ابزارهای حقوق بشری روابط میان دولت و افراد را از طریق ابزارهای حقوق بین‌الملل تنظیم می‌نمایند. بنابراین برجسته‌ترین نقش در این رویکرد از آن دولت است، هرچند بحث‌های متعددی درباره واگذاری مسئولیت‌های دولت به بخش خصوصی یا سازمان‌های مردم نهاد وجود دارد، اما شک و تردیدهای بسیاری در این زمینه پا بر جا مانده است. آیا بخش خصوصی با این زمینه سازگار است؟ مشروعیت این بخش از کجا نشأت می‌گیرد؟ آیا اراده‌ای در زمینه بر عهده گرفتن این وظایف وجود دارد؟ آیا راه حل‌های بخش خصوصی اخلاقی هستند؟ (۲۶)

ترویج رویکرد حقوق بشری نسبت به سلامت زیستی محیطی نیازمند تعامل نهادهای غیر دولتی و دولتی است. به این دلیل که مسأله سلامت زیست‌محیطی و حقوق نسل‌های آینده، مسأله‌ای جهانی و فارغ از گرایش‌های سیاسی، عقیدتی و مذهبی در سراسر جهان است. در همین زمینه پرسش‌های مشابهی درباره نقش دولت توسط سازمان‌های مردم‌نهاد مطرح شده است. در عین حال، این سازمان‌ها به نظر به جای پاسخگوبودن در برابر سهامدان، بیشتر در برابر هیأت‌مدیره پاسخگو می‌باشند، در حالی که بنا بر سنت دولت‌ها از طریق نظر عموم انتخاب می‌شوند (قطع نظر از شدت و ضعف دموکراسی در دولت‌ها) و آن‌ها در برابر مردمی که این دولت‌ها را انتخاب کرده‌اند، مسئول می‌باشند (۲۷). با این حال هرگز نمی‌توان نقش سازمان‌ها و نهادهای مردم‌نهاد در عرصه سلامت زیست‌محیطی را نادیده گرفت، چه این‌که امروزه جنبش‌های فعال در این زمینه، نیز با درک مسئولیت‌های اجتماعی، اقتصادی و محیط زیستی و عملکردش در این حوزه‌ها بر روی تحقق حقوق بشر تأثیرگذار است. بدین ترتیب می‌بایست افراد، گروه‌ها، نهادها و جوامع باید در تحقق حقوق

بشر مسئولیت خودشان را به نحو مطلوبی بر عهده بگیرند. بنابراین فرایند برنامه‌ریزی زیست‌محیطی در رویکرد حق‌محور باید به نحوی هدایت شود که توانایی مسئولین را برای قبول مسئولیت افزایش دهد. آژانس پیشرفت بین‌المللی کانادا IAEA توسعه توانایی را به عنوان «فرایندی توصیف کرده است که به واسطه آن افراد، گروه‌ها، نهادها، سازمان‌ها و اجتماعات توانایی خودشان را برای شناسایی و حل چالش‌های پیشرفت به نحوی پایدار ارتقا بخشند» (۱۴). بنابراین تجارب و فعالیت‌های سایر گروه‌های اجتماعی درباره فعالیت‌های زیست‌محیطی می‌تواند به مثابه چراغ راهی برای فعالیت‌های سایر نهادهای غیر دولتی نیز تلقی شود. از سوی دیگر، تعامل هم‌زمان دولت‌ها، سازمان‌های غیر دولتی نیازمند وجود قوانین و قواعد حقوقی نسبتاً مشترکی است که بتواند میان منافع عمومی دولت و منافع خصوصی گروه‌های مزبور سازگاری ایجاد کند. بدین ترتیب هرچند نقش سازمان‌های فرادولتی و خصوصی در زمینه مسائل زیست‌محیطی بسیار برجسته است، اما دولت به عنوان ابزار «قدرت فائقه داخلی» و نقش مهمی که در قانونگذاری داخلی و حتی بین‌المللی ایفا می‌کند، می‌تواند نقش‌آفرینی مثبتی داشته باشد. بدین ترتیب علی‌رغم گسترش سازمان‌های غیر دولتی، نظم جهانی کنونی شدیداً حول منافع دولت‌ها سازماندهی شده است و حقوق بین‌الملل هنوز معطوف به فعالیت‌های دولت‌ها است (۱۱). بدین ترتیب قوانین و قواعد (و علاوه بر آن، نقش سنتی‌ای که جامعه طبیعتاً برای یک فرد، گروه، یا نهاد در نظر گرفته می‌شود) دامنه قدرت و اختیاراتی را که مسئولین در یک حوزه دارند، مشخص می‌کنند. قدرت‌هایی که قانون در اختیار هر یک از مسئولین جامعه (در سلسله مراتب مسئولیت از مسئول مستقیم یا سازمان‌های بین‌المللی) قرار می‌دهد، به جای این‌که نمایانگر الگوی توزیع قدرت در اجتماعات باشد، بیانگر نیاز به مرور و بهبود قوانین حمایت از مسئولیت‌ها هستند. از آنجایی که تأکید رویکرد حقوق بشری صرفاً بر روی معیارهای درست برای تحقق حقوق نیست، در عین حال بر حصول نتیجه (رعایت و حمایت از حقوق) تأکید دارد، به همین دلیل است که به ضرورت چنین مرورها و معیارهای تأثیرگذاری

برای تقویت و بهبود قواعد بحث توجه می‌شود که توسط مکانیسم‌های صوری که در قوانین پیش‌بینی شده‌اند، مورد ملاحظه قرار می‌گیرند و توسط جنبش‌های اجتماعی از دیگر عناصر توان‌بخشی به رویکرد حقوق بشری به محیط زیست مورد حمایت قرار می‌گیرند (۲۷).

۳- سلامت زیست‌محیطی و حقوق نسل‌های آینده در حقوق ایران

سلامت زیست‌محیطی، امروزه یکی از چالش‌های اساسی جامعه ایرانی محسوب می‌شود. این موضوع هرچند نیازمند بررسی دقیق‌تری است، اما شواهد موجود درباره مسائل مختلف اعم از مسائل آلودگی هوا، ریزدگردها، خشک‌شدن دریاچه‌ها و... حاکی از آن است که از منظر حقوق بشری، نه‌تنها نسل کنونی، بلکه نسل‌های آتی نیز از این وضعیت متضرر می‌شوند. به عنوان مثال از جمله مباحثی که اخیراً بسیار مورد توجه قرار گرفته است، مباحث ریزگردها است که به شدت مسأله حقوق فردی و جمعی نسل‌های آینده در زمینه سلامت زیست‌محیطی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، به طوری که در چند سال اخیر، موجب آلودگی شدید در اتمسفر مربوط به کشور ایران گردیده و زندگی را برای مردم بخش عمده‌ای از مناطق استان‌ها سخت نموده، ریزگردهایی است که از بی‌توجهی کشورهای مختلف عربی دارای بیابان‌ها و مناطق صحرایی بی‌آب و علف از جمله عراق، کویت، امارات متحده عربی به ایران وارد می‌شود (۴). علاوه بر این، می‌توان مسائل و مشکلات دیگری را نیز به این فهرست اضافه کرد که هر کدام به نوبه خود تهدیدی برای سلامت زیست‌محیطی شهروندان ایرانی محسوب می‌شوند.

بر این اساس و با درک مسائل و مشکلات زیست‌محیطی در جامعه ایرانی و فراهم‌شدن شرایط برای نسل‌های آینده می‌توان گفت راه‌کارهای متعددی وجود دارد که از منظر حقوق بشری می‌توان حقوق فردی و اجتماعی را به نحو مطلوبی مورد توجه قرار داد. از طرف دیگر، ابعاد اقتصادی و اکولوژیکی توسعه پایدار در راستای حفظ حقوق نسل‌های فعلی و آینده است. هم عدالت درون نسلی و هم میان نسلی ضرورت حفاظت از محیط زیست را ایجاب می‌کند (۲۵). بر

این اساس، تبیین ابعاد حقوق بشری و ضرورت پیوند آن با مسائل و مشکلات زیست‌محیطی و تأمین سلامت زیست محیطی مهم‌ترین اقدامی است که می‌توان از آن نام برد. این رویکرد با رجوع به قوانین داخلی، حقوق موضوعه و زمینه‌های فرهنگی و دینی حاکم بر جامعه ایرانی قابل حصول است.

در همین راستا، اصل ۵۰ این قانون اساسی ج.ا.ا، وضعیت حمایت از محیط زیست را نشان می‌دهد. این اصل می‌گوید که در جمهوری اسلامی ایران حمایت از محیط زیست که میراث نسل حاضر و نسل‌های آتی است، به عنوان یک وظیفه عمومی لحاظ می‌شود. بنابراین فعالیت‌های اقتصادی و غیر اقتصادی که در معرض آلودگی یا فساد زیست‌محیطی قرار ندارند ممنوع است (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). به نظر می‌رسد این اصل بسیاری از مسائل مهم حقوقی را شامل می‌شود که مؤلفه‌های پیشنهاد مورد نظر را متذکر می‌شوند. این اصل حمایت از محیط زیست، پیوند میان پیشرفت اقتصادی و محیط زیست را پیش‌بینی می‌کند و نیز به نحو ضمنی حق برخورداری از محیط زیست سالم را به رسمیت می‌شناسد، در حالی که همزمان، مسئولیت آن‌ها برای خلق و حفظ محیط زیست فهم شخصیت حقوقی نسل‌های آینده و حق تولد آن‌ها در یک محیط زیست آماده و سالم برای داشتن یک زندگی پایدار و نیز نیاز به احترام‌گذاشتن به عدالت بین‌الملل توسط نسل حاضر و آینده و پیش‌بینی اصل پیشرفت پایدار یکی از مهم‌ترین دستاوردهای حقوقی این اصل است که در مقایسه با قوانین اساسی دیگر کشورها از جایگاه ممتازی برخوردار می‌باشد (۲۸). علاوه بر این، مسأله محیط زیست در اسناد بالادستی از جمله سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، نیز مورد توجه ویژه قرار گرفته است. بر این اساس، جامعه ایرانی در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ چنین تصویر شده است: برخورداری از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مندی از محیط زیست مطلوب.

با این وجود در نقد این رویکرد و زمینه‌سازی برای بهبود و ارتقای سلامت محیط زیستی برای نسل‌های آینده جامعه ایرانی باید گفت آنچه در حقوق و قوانین داخلی ایران و به

ویژه اصل مزبور دیده می‌شود، جنبه «حفاظتی» و حراست از محیط زیست است و کم‌تر به عنوان یک حق مسلم مورد توجه قرار گرفته است. بدین ترتیب گذر از رویکرد سلبی و قدم گذاشتن در رویه‌های حقوقی که سلامت زیست‌محیطی را به عنوان یک حق مسلم نشان دهد، امری بایسته است. علاوه بر این، هرچند موضوع حقوق بشر توسط نهادهای مختلفی در داخل حمایت می‌شود، اما آنچه مهم است، ضرورت بازخوانی و توجه به اصول حیات زیستی سالم در پرتو آموزه‌های دینی و فقهی است. بر این اساس، یکی از راه‌های تقویت سلامت زیست‌محیطی و احقاق حقوق فردی و جمعی، توجه به فرهنگ ایرانی و اسلامی در زمینه حمایت از سلامت محیط زیست و انتقال آن به نسل‌های آینده است، هم‌چنانکه در فرهنگ ایرانی، نظرات کلی درباره قطع درختان سبز، قطع برخی از درختان، درختچه‌ها و بوته‌ها به شدت تحریم شده است. درختان، درختچه‌ها و بوته‌هایی که در قالب گیاهان مقدس در فرهنگ ما، همچون بسیاری از فرهنگ‌های کهن دیگر جهان مطرح گردیده است (۵).

علاوه بر این، مسأله حقوق فردی و اجتماعی در سلامت زیست‌محیطی هنگامی به منصفه ظهور می‌رسد که آموزه‌های دین اسلام در این زمینه مورد توجه بیشتری قرار گیرند و حتی در بخش‌های مختلف تقنینی، قضایی و اجرایی به کار گرفته شوند، چنانچه اصل همنوایی و همسازی انسان با طبیعت به عنوان شاکله حقوق نسل‌های آینده مورد توجه آموزه‌های اسلامی است. بر این اساس که انسان آزاد نیست تا در طبیعت هرگونه که می‌خواهد رفتار کند (۲۹)، زیرا اصل مسؤولیت‌پذیری در آیین حقوق بشر اسلام بر این موضوع تأکید می‌کند که حقوق و مسؤولیت‌ها می‌بایست به یک اندازه مورد توجه قرار گیرند و انسان به همان اندازه که از طبیعت و محیط اطراف خود بهره می‌برد، در برابر حفاظت و انتقال آن به نسل‌های آینده مسؤولیت دارد. این موضوع به خوبی در آیات قرآن کریم مشهود است. خداوند متعال در این‌باره می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ»؛

آیا ندیدید خداوند آنچه را در آسمان‌ها و زمین است مسخر شما کرده؟...» (۳۰).

بدین ترتیب پیام‌های حقوقی مستخرج از آموزه‌های قرآنی نشان می‌دهد که زمین و طبیعت برای بشر ایجاد شد تا آنان را به تسخیر خود درآورد و در عین حال، حقوق نسل‌های آینده را نیز مورد توجه قرار دهد. در همین آیه شریفه، هدف از «لام» در اصطلاح «لَكُمْ» برای تعطیل غایی است، چه این که هدف از تسخیر در متون دین اسلام، بهره‌وری انسان از آسمان‌ها و زمین است (۳۱). به نظر می‌رسد همین آموزه‌ها می‌تواند به عنوان شاکله حقوق فردی و جمعی نسل‌های آینده در زمینه سلامت زیست‌محیطی مورد توجه قرار گیرد. در همین راستا قانون مجازات اسلامی با اتخاذ رویکرد حقوقی و مقابله با تضییع حقوق نسل‌های آینده، قوانین الزام‌آوری را پدید آورده است که در وهله اول نشانگر نوعی تعریف و شناسایی سلامت زیست‌محیطی است. از منظر قانون مجازات اسلامی، منظور از آلوده‌ساختن محیط زیست، پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیکی آن را به طوری که به حال انسان و سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار و ابنیه مضر باشد، تغییر دهد (قانون مجازات اسلامی، ماده ۶۸۸، تبصره ۲). به نظر می‌رسد بسط چنین قواعد الزام‌آوری در زمینه حقوق فردی و جمعی و همچنین استخراج رویکردهای حقوق بشری که بتواند سازگاری بیشتری با فرهنگ، قوانین و آداب و رسوم جامعه ایرانی داشته باشد، به شکل قابل توجهی می‌تواند زمینه‌ساز قواعد الزام‌آور و همچنین ایجاد رویه‌ای فرهنگی برای بهبود و ارتقای سلامت زیستی برای نسل‌های آینده گردد. در کنار این مسأله، در حوزه مدیریت نظام توسعه پایدار و توجه به حقوق فردی و اجتماعی نسل‌های آینده، فروپاشی مدیریت سنتی و فرهنگ تولیدی و نظام عقیدتی دیروز و عدم جایگزینی مدیریت کارآمد جدید و نظارت قانونی و نظام عقلانی نوین می‌باشد که در قضاوت‌های ما باید مورد توجه قرار گیرند (۵). بنابراین توسعه توأمان هنجارهای سنتی، دینی و ارزشی جامعه و پیوند زدن آنان با ساختارها و تحولات متغیر

معاصر از جمله الزاماتی است که می‌تواند راه را حمایت از حقوق فردی و جمعی نسل‌های آینده فراهم سازد.

نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر بدین نتیجه رسید که امروزه مسائلی از قبیل افزایش گازهای گلخانه‌ای و گرمایش زمین و کاهش گاز اوزون، فساد خاک، از بین بردن جنگل‌ها، سیل فاضلاب‌های تولیدی توسط کارخانجات صنعتی، گازهای متصاعد از نیروگاه‌های اتمی، همگی منجر به تخریب محیط زیست می‌شوند. بنابراین جهان با یک بحران زیست‌محیطی بی‌سابقه مواجه شده است، چراکه تخریب محیط زیست به نحو فزاینده‌ای منابع طبیعی و فرایندهای جهانی را تهدید می‌کند. چنین به نظر می‌رسد که بدون اتخاذ اقدامات و تصمیمات جدی توسط نسل حاضر، در آینده، امکان بقای انسان بر روی زیست کره با خطر جدید مواجه خواهد بود و نسل‌های آینده از این منابع محروم خواهند بود. بنابراین مسأله سلامت زیست‌محیطی از یک جهت دیگر و آن هم توجه به حقوق فردی و اجتماعی نسل‌های آینده حائز اهمیت است.

در این زمینه راه‌کارهای متفاوتی ارائه شده است که هر یک به نوعی حامی دیدگاه دولت‌محور و یا حمایت از نهادهای غیر دولتی در زمینه حمایت از سلامت زیست‌محیطی است. با این حال اتخاذ رویکرد حقوق بشر، تلاش برای جهانی‌شدن آن و همچنین پیوند زدن مسأله حقوق بشر با انگیزه‌ها، هنجارها و ارزش‌های جوامع مختلف می‌تواند راهی برای تعامل در سطح جهانی باز کند که از قبل آن بتوان، قواعد تنظیمی در سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای مقابله با آثار ناشی از فعالیت‌های مخرب زیست‌محیطی اتخاذ نمود. در کنار فعالیت‌های سلبی، تلاش برای هم‌نو ساختن قواعد و قوانین بین‌المللی و همچنین بهره‌گیری از الگوهای موفق در این زمینه از جمله فعالیت‌های زیست‌محیطی در اروپا، می‌تواند سرمشقی برای سایر گروه‌های غیر دولتی و منطقه‌ای تلقی شود.

به نظر می‌رسد بسط آموزه‌های حقوق بشری با این استدلال که حقوق بشر، دغدغه‌ای جهانی است و مورد حمایت

قوانین داخلی کشورها نیز قرار دارد، به خوبی می‌تواند زمینه‌ساز تعامل و همگرایی فعالیت‌های دولتی و غیر دولتی در زمینه حقوق فردی و اجتماعی نسل‌های آینده تلقی شود، چنانچه در جهان امروز، حق برخورداری از یک محیط زیست سالم یکی از حقوق بنیادین بشری است و قانون بین‌الملل و حقوق داخلی کشورها در موارد متفاوت از مبارزه با آلودگی محیطی در صدر افکار و فعالیت‌های آن‌ها قرار دارند. در عرصه بین‌المللی، معاهدات بین‌المللی متعدد تصویب شده است که حق برخورداری از یک محیط سالم را به رسمیت می‌شناسند. دیگران نیز آلودگی محیطی را به عنوان یک حق ضد بشری در نظر می‌گیرند. آلودگی محیطی یک مسأله جدی است که ملت‌ها و دولت‌ها باید درباره آن‌ها فکر کنند. بنیادی‌ترین حق بشر، حق حیات و حق برخورداری از یک زندگی سالم، وابسته به این حق است. به طور خاص، بهبود وضعیت سلامت زیست‌محیطی در جامعه ایرانی، نیازمند بسط آموزه‌های حقوق بشری در قالب حمایت از معاهدات جهانی در این زمینه، مطرح کردن حقوق بشر اسلامی و آموزه‌های دینی و ملی در زمینه حمایت از فعالیت‌های زیست‌محیطی و حقوق نسل‌های آینده است.

References

1. Mansour J. Constitute of the Islamic Republic of Iran. Tehran: Publications Dowran; 2012. [Persian]
2. Ghadir M. The Right to the environment from the perspective international human rights and Islam. *Journal Islam and the West* 2015; 2(2): 99-125. [Persian]
3. Amin Mansoor J. The Relationship between human rights and the environment from the perspective of the international community. *Journal Foreign Policy* 2015; 29(3): 7-33. [Persian]
4. Mohaqqueq Damad M. Jurisprudential regulations (civil part). 2nd ed. Tehran: Ministry of Islamic Guidance Publication Center; 1987. p.75-98. [Persian]
5. Farhadi M. The Environment Crisis in Iran necessitates a revision of popular Knowledge and strategies of national culture. *Journal Social Science Studies* 2011; 1(41): 16-32. [Persian]
6. Firouzi M. The Right to the environment. Tehran: Publications Jihad University; 2005. [Persian]
7. Ghayomzadeh M. The nature of the right to imprisonment in marriage and how ti obtain it. *Journal of Jurisprudence and Principles of Islamic Law* 2010; 43(1): 135-159. [Persian]
8. Saket MH. Jurisprudence; the Knowledge of Law. Mashhad: Publications Nakhosht; 1992. [Persian]
9. Begna D. The Significance of Collective Rights to Public Health Development: The Case of Oromia Regional State in Ethiopia. *Journal of Public Health Research* 2018; 6(5): 203-214.
10. Domenico G. The Ground-Breaking Advisory Opinion OC- of the Inter-American Court of Human Rights: Healthy Environment and Human Rights. *Journal of Constitutional Law* 2018; 23(17): 1-29.
11. Faulks K. Citizenship. Translated by Delforuz MT. Tehran: Publications Kavir; 2013.
12. Mousavi F. The Evolution of International Environmental Law Resources. Tehran: Publications Amount; 2006. [Persian]
13. Alexander C, Dina SH. Environmental rights. Translated By Habibi MH. Tehran: Publications Tehran University Press; 2005.
14. CIDA A. Capacity Development: The concept and its implementation in the CIDA contex. Harvard: Publications Institute International Development; 1996.
15. Charls KA, Send P, Lang V. Environmental Law Translation by Habibi MH. Tehran: Publications Tehran University Press; 2002.
16. May J. Environmental Law Jurisprudence and Associate Justice Antonin Scalia's Legacy. *Journal Environment, Energy and Resources Newsletter* 2016; 16(7): 1-49.
17. Rezvani M. Laws and Environmental Law. Tehran: Publications Payame Noor University Press; 2012. [Persian]
18. Ooms G, Latif A, Wari W. Is universal health coverage the practical expression of the right to health care?. *Journal BMC International Health and Human Rights* 2014; 14(1): 1-5. [Persian]
19. Jona R. Right to a Healthy Environment in Human Rights Law. Nairobi: Publications Foreign & International Law; 2015.
20. Abbas Ashlaghi M. Theoretical Transformation of the Human Rights Concept and its Position in International Relations. *Journal Quarterly of Political and Economic Information* 2004; 18(11): 90-103. [Persian]
21. Himonga L, Fick N, Stuttafor F. Social solidarity and the right to health: Essential elements for people-centred health systems. *Journal Health Policy and Planning* 2014; 14(1): 1-8.
22. Johannes B, Shyama K. Defining health by addressing individual, social and environmental determinants: New opportunities for health care and public health. *Journal Public Health Policy* 2014; 35(3): 363-386.
23. Porhashemi A, Dabiri F, Khalatbari Y, Zarei S. Formation and development of the concept of "the rights of future generations" in international environmental law. *Journal of Environmental Science and Technolog* 2016; 18(3): 65-80. [Persian]
24. Nakhjavani N. The Smoke of Tehran, and the Forgotten Human Rights: The Right to a Healthy Environment. *Journal Lawyer* 2011; 1(39): 1-27. [Persian]
25. Ramazani Qavam Abadi MH. Environmemt protection in the fundamental rights of the Islamic Republic of Iran. *Journal Judicial Law Views* 2013; 1(63): 120-192. [Persian]
26. Hashemi Rad MA. A Study of the Alternative Political Economy Prespectives on State Intervatintion in the Iranian Economy. An unpublished Ph.D. Thesis.

New Delhi: Center for Economic Studies and Planning, Jawaharlal Nehru University; 2005. [Persian]

27. Mosafa N, Makhdoom M, Almasi Z. A. Environmental Planning Approach, Human Rights-Based. *Journal Law (Scientific-Research)* 2011; 1(24): 311-327. [Persian]

28. Frank DJ. World Society, NGOs and Environmental Policy Reform in Asia. *International Journal of Comparative Sociology* 2007; 48(4): 17-36.

29. Javadi Amoli A. Islam and The environment. Qom: Publications Asraa; 2014. [Persian]

30. Holy Quran. Loghman: 20.

31. Tabatabaie MH. Almizan Interpretation. Qom: Publications Ismaelian; 1990.